

## از سرنوشت کارگران سامکو درس بگیریم و قدرت خود را باور کنیم!

یکشنبه دهم شهریور ۱۳۸۷

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

کارگران شرکت سامکو ۶ سال است که بیکارند. در طول این مدت هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. همه سال ها را در حالت اعتراض، رجوع به نهادهای دولتی سرمایه و انتظار چاره گری این نهادها به سر آورده اند. حدیث زندگی آن ها در این دوره طولانی چیزی نبوده است جز تحمل گرسنگی، فقر، شکم خالی فرزندان، سرگردانی و احساس درماندگی در مقابل کوه مشکلات زندگی. مالکان شرکت ۶ سال پیش به بهانه «کمبود نقدینگی» کارخانه را تعطیل و ۳۸۰ کارگر را بیکار ساختند. همه کارگران اعم از رسمی و قراردادی سال های زیادی در شرکت کار کرده بودند.

شدیدترین میزان استثمار و بی حقوقی و محرومیت را تحمل نموده بودند. سرمایه شرکت در پرتو کار و استثمار آنان هر روز از روز پیش عظیم تر و نیرومندتر شده بود و صاحبان سرمایه ها به یمن استثمار وحشیانه کارگران هر لحظه از لحظات پیش قدرت، نفوذ و فرمانروایی بیشتری را به چنگ آورده بودند. سرمایه داران در تدارک افزایش سرمایه های خویش نقشه های جدید کشیدند و در همین راستا با قدرت سرمایه خود تصمیم به بیکار سازی کارگران گرفتند. آنان تصمیم خود را بدون هیچ مانعی اجرا کردند و کارگران به دنبال سال ها کار و تحمل هولناک ترین استثمارها همچون موجوداتی مفلوک، درمانده و بی قدرت به برهوت بیکاری پرتاب شدند. سرمایه داران روند توسعه سرمایه گذاری و استثمار کارگران را در حوزه های پرسودتر ادامه دادند و کار کارگران این شد که متقاضی بازگشت خویش به کار باشند و در کویر خشک یأس و استیصال و بی قدرتی در آرزوی بازیافتن کار و تداوم همان زندگی زیر فشار استثمار و بی حقوقی پیشین این در و آن در بزنند، خواسته ای که اکنون ۶ سال است تکرار شده اما هیچ پاسخی مثبتی دریافت نکرده است و حاصل طرح و انتظار تحقق آن همین زندگی دوزخی رفت باری است که اکنون تحمل می کنند. آنچه گذشته است و حوادثی که در طول همین ۶ سال رخ داده است حتی در پائین ترین سطح تجربه اندوزی برای کارگران جدی این سؤال را در پیش روی قرار می دهد که آیا واقعاً هیچ راه دیگری پیش پای کارگران سامکو نبوده است؟ آیا مقدر بوده است که آنان ۶ سال صبر کنند و در برهوت وعده و وعیدهای دروغین نهادهای دولتی سرگردان بمانند؟ فراموش نکنیم که مخاطبان این پرسش فقط ۳۸۰ کارگر سامکو نیستند. در همین دوره ده ها هزار کارگر دیگر همین وضعیت را کم یا زیاد تحمل کرده اند؟ آیا وقت آن نرسیده است که همه ما تحمل کنندگان این وضعیت به طور واقعی و جدی به سؤال فوق فکر کنیم؟ چرا سرمایه داران و دولت آن ها حق دارند و می توانند همه این بلاها و بسیار بدتر از آن ها را به روز ما بیاورند و ما باید خود را محکومان محتوم و اسیران ازلی و ابدی اراده و تصمیمات آن ها بدانیم؟ آیا فکر نمی کنیم

که به طور واقعی در جریان کارها و افکار و تلاش های خویش دچار یک تناقض جدی هستیم؟ درباره این تناقض کمی با هم صحبت کنیم. در نظر بیاورید که همه ما با تمامی گوشت و پوست وجودمان به وضعیت جهانی رعب آوری که سرمایه و دولت سرمایه داری بر ما تحمیل کرده است اعتراض داریم و عملاً به حکم اجبار زندگی علیه این وضعیت و علیه ظلم و جنایتی که بر سرمان رفته است و می رود مبارزه می کنیم. بسیار خوب! وقتی که به اجبار در نارضایتی و خشم و عصیان به سر می بریم، وقتی که بنا به ضرورت زنده ماندن خویش و ادامه حیات فرزندانمان در کوران مبارزه قرار داریم، هنگامی که تمامی بار بدبختی ها و فشارهای سرکوب این مبارزه را هم علاوه بر کل استثمار شدن های هولناک و سیه روزی های دیگرمان تحمل می کنیم، وقتی که زندگی و روزگار ما از همه سو با همه این مشخصات و مؤلفه ها عجیب است، آیا نباید مدام درباره ریشه های واقعی مصائب و دردها، چند و چون اعتراضات مان، بن بست های آن و راه های غلبه بر این بن بست ها و پیشبرد بهتر مبارزات مان فکر و چاره اندیشی کنیم؟ وقتی ما ۶ سال تمام به اعتراضات خویش ادامه می دهیم و نتیجه ای از کار خویش نمی گیریم، آیا نباید به فکر یافتن عیب و ایرادهای کار خود افتیم و برای یافتن راه چاره های جدید تلاش کنیم؟ بالاتر تأکید شد که مخاطب صحبت ما در اینجا فقط ۳۸۰ کارگر سامکو نیستند. ما یک طبقه اجتماعی چند ده میلیونی در ایران و چند میلیاردی در جهان هستیم. آیا وقتی به فکر کاویدن اشکالات اساسی شیوه اعتراض و مبارزه خود بر نمی آئیم، وقتی راهکارها و چاره پردازی های جدید را از دل چنین کند و کاوی بیرون نمی کشیم، وقتی نقد درست اشتباهات را نقشه راه تداوم اعتراض و مبارزه نمی کنیم، معنایش این نیست که ما خود را محکومان به تحمل وضعیت شرربار و سفاکانه موجود می بینیم؟ بسیار روشن و شفاف به وضعیت ۶ ساله خود در سامکو و چندین ساله همزنجیران خویش در کارخانه نیشکر هفت تپه، لوله سازی خوزستان، صدرای بوشهر، لاستیک البرز، ایران برک رشت، کارخانه های شهر صنعتی قزوین، نساجی های اصفهان، همه کارخانه های قند و شکر و چای و چوب و ده ها مرکز دیگر کار و تولید خوب نظر بیندازیم. در همه این جاها ما تحسن کرده ایم، دست به راه بندان زده ایم، اعتصاب کرده ایم و خیلی کارهای دیگر انجام داده ایم. اما قبول کنیم که ما در هیچ کجا هیچ موفقیت چشمگیری به دست نیاورده ایم. حتی حقوق عقب افتاده خود را نگرفته ایم. آیا یک نگاه ساده به این روند و آنچه روی داده است با صدای بسیار بلند در مغز ما فریاد نمی کشد که واقعاً یک جای کار می لنگد؟ آیا مرور درست این حوادث به ما نمی گوید که ما خودمان را محکومان چرخ خوردن در مدار بسته این نوع کارها دیده ایم و راه برون رفت از بن بست ها را کاوش نکرده ایم؟ تناقضی که قبلاً گفتیم در همین جاست. معنای اعتراض و مبارزه این است که وضعیتی را عوض کنیم و همین معنا حکم می کند که اگر راهکارهای مبارزه ما کارساز نبود آن ها را عوض کنیم. برای ما کارگران مبارزه به معنای عبادت خدا نیست. راه تغییر وضعیت ستمگرانه ای است که سرمایه بر ما تحمیل کرده است.

**دوستان! کارگران سامکو و همه همزنجیران و همسرنوشتان!**

مبارزات ما توده های کارگر در موقعیتی است که تداوم مؤثر و موفق آن ها در گرو چاره اندیشی های بسیار جدی و اساسی و نوین است. معنای مبارزه روشن است. ما باید تلاش کنیم که سرمایه داران و دولت سرمایه داری مطالبات ما را قبول کنند. جز این، هر معنای دیگری از مبارزه مسخره است. سرمایه داران برای یک ریال سود بیشتر، برای این که یک میلیمتر از کوه بسیار عظیم سودهایشان کاسته نشود حاضرند میلیون میلیون توده های طبقه ما را در شعله های سرکش گرسنگی، فقر، سرکوب، جنگ و هر شرارت و جنایت دیگر خاکسترکنند. با طبقه سرمایه دار و دولت او، با سرمایه که بنیاد هستی اش بر نیستی ما استوار است، نمی توان به زبان خواهش و التماس و حلق آویز ساختن خود به دار قانون و مبارزه قانونی مانند این ها حرف زد. این نکته اصلاً به استدلال نیاز ندارد. یک قرن زندگی خودمان و نسل های گذشته خودمان در همین جامعه ایران را در نظر بگیریم. ما هیچ گاه و در هیچ دوره و لحظه ای از این نوع تلاش ها نتیجه نگرفته ایم. ما هیچ ریالی از مطالبات خود را نمی توانیم بدون اعمال قدرت مؤثر و کافی از حلقوم صاحبان سرمایه بیرون بکشیم. ما باید قدرت داشته باشیم. قدرتی که اولاً علیه سرمایه و نظام سرمایه داری و دولت سرمایه اعمال شود و ثانیاً برای مجبور ساختن این نظام و دولت، به پرداخت مطالبات مان کفاف دهد. این بدان معناست که ما باید در سطحی بسیار فراتر از این کارخانه و آن کارخانه با هم متحد شویم. ما در هر کجا که هستیم مبارزه می کنیم، دست به دست هم می دهیم و علیه شدت استثمار، شرایط کار و دنیای بی حقوقی هایی که سرمایه بر ما تحمیل کرده است دست به اعتراض می زنیم. اما در همه جا برای پیشبرد موفق این مبارزات نیاز به اتحاد سراسری داریم. باید در تمام جاها به صورت شورایی و ضد سرمایه داری متشکل و متحد شویم. باید در همه جا شوراهای ضد سرمایه داری خود را به ظرف اعمال قدرت مان علیه سرمایه تبدیل کنیم. باید از دل تمام این شوراها یک شورای سراسری ضد سرمایه داری به وجود آوریم. اگر در این راستا گام برداریم، می توانیم تمامی کارخانه های در حال تعطیل را خودمان با تکیه بر قدرت شورایی طبقه مان تصرف کنیم و کار و تولید آن ها را برنامه ریزی نمائیم. مبارزات ما فقط و فقط در این مسیر است که می تواند به پیروزی برسد. تنها از این طریق است که ما به طور واقعی به صورت یک طبقه باآگاهی و بصیرت ضد سرمایه داری در مقابل سرمایه و دولت سرمایه داری قرار می گیریم. هر روز و هر ثانیه به میزان قدرت می و حاضر متحد و متشکل شورایی طبقه مان سرمایه داران و دولت آن ها را به عقب می رانیم. فشار استثمار سرمایه روی خویش را کاهش می دهیم، روند تولید ارزش اضافی و بازتولید سرمایه را مختل می سازیم. در هر گام قدرت پیکار خود علیه سرمایه را بیشتر می کنیم. دورنمای مبارزه خود را روشن تر می سازیم. هر پیروزی بر سرمایه را سنگر پیکار برای پیروزی های بعدی می کنیم و در همین راستا قدرت سیاسی را به چنگ می آوریم و در نهایت نظام سرمایه داری را برای همیشه در عمق گورستان تاریخ دفن می کنیم.

**کارگران سامکو و همه همزنجیران!**

آیا ما توان انجام کارهای فوق را نداریم؟ چنین تصویری از بیخ و بن غلط است. تاریخ زندگی ما انسان ها عکس این را

می گوید. اگر چنین بود انسان هنوز در دوران غارنشینی زندگی می کرد. هنوز در عمق جنگل ها و کنار رودخانه ها روزگار به سر می آورد. تاریخ را نگاه کنیم. از آغاز تا فرجام، تاریخ مبارزه طبقاتی است. تاریخ جنگ و جدال طبقه فرودست و اسیر و زیر فشار بی حقوقی ها برای تغییر وضعیت آن دوره است. تاریخ چند قرن اخیر نیز تاریخ گسترده ترین و عظیم ترین مبارزات طبقه ما علیه استثمار و بربریت سرمایه داری است. به گذشته خویش در همین جامعه ایران نگاه کنیم. صد سال است که مبارزه می کنیم و نیروی محرک و سلسله جنبان واقعی فعل و انفعالات مهم اجتماعی بوده ایم. انقلاب سال ۵۷ از ابتدا تا انتها با نیروی پیکار طبقه ما به پیش رفت. معضل اساسی در تمامی این دوره ها چه در سراسر دنیا و چه در ایران این بوده و این است که ما در جریان این پیکارهای عظیم و گسترده با سر خودآگاه و بیدار طبقاتی خویش حرکت نکرده ایم. خواست های واقعی و افق راستین مبارزه ما خواست واقعی و افق شفاف رهایی همه انسان هاست. اما باید قبول کنیم که در غالب موارد به دنبال حرف ها، راه حل ها، افق ها و راهبردهای این جریان و آن جریان درون طبقه سرمایه دار به راه افتاده ایم. ما دولت را عوض کرده ایم اما نظام سرمایه داری را دست نخورده باقی گذاشته ایم. ما عظیم ترین صحنه های پیکار، نقش آفرینی و تغییر و فداکاری را خلق کرده ایم اما حاصل همه تلاش های ما عصای دست این یا آن بخش از دشمنان ما برای تسویه حساب با همدیگر، ماندگارسازی نظام سرمایه داری و سرشکن شدن بار این ماندگارسازی بر زندگی خود ما تبدیل شده است. ما مطالبات واقعی ضدسرمایه داری را سنگر توفنده مبارزات خود نساخته ایم. ضد سرمایه و برای محو سرمایه داری متشکل نشده ایم. علیه اساس بردگی مزدی پیکار نکرده ایم. ما به دنبال شعارها و حرف های طبقات دیگر رفته ایم. ما دنیایی مبارزه کرده ایم، تغییر داده ایم، رژیم سرنگون کرده ایم و رژیم مستقر ساخته ایم اما از مطالبات و اهداف واقعی طبقاتی خویش که مطالبات و اهداف واقعی بشریت است حرکت نکرده ایم. مثل روز روشن است که ما توان و ظرفیت کامل تغییر وضعیت موجود را به تمام و کمال داریم. اما برای این کار باید، خودمان، توده وسیع طبقه خودمان، به دور از راهبردهای آنچه این جریان و آن جریان درون طبقه سرمایه دار، یا این و آن محفل منزوی چپ یا راست می گویند، حول منشور مطالبات پایه ای طبقه خود به صورت سراسری و ضدسرمایه داری متشکل شویم. با قدرت اتحاد ضدسرمایه داری خود اعتصاب کنیم، کارخانه ها را تصرف کنیم، خواسته هایمان را بر سرمایه تحمیل نمائیم، آگاهی خود را بالاتر و بالاتر ببریم و در جهت نابودی سرمایه داری به پیش رویم. ما بدون هیچ تردیدی از عهده انجام همه این کارها بر می آئیم. باید شروع کنیم.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۸ شهریور ۸۷

<http://www.hamaahangi.com>  
[hamaahangi@gmail.com](mailto:hamaahangi@gmail.com)